لوازم نظریه موضوعیت زوال هر بلد

(00:20)

قبل از شروع ماه جمادی الاولی، بحث خسوف و کسوف مطرح شد. یک جلسه هم مباحثه شد. ولی چون هلال ماه جمادی الاولی خصوصیتی داشت، بحث عوض شد. واقعاً هم برکت و فیوضات ایام فاطمیه بود. برای من خیلی جالب بود. البته بحث‌های خسوف و کسوف ماند، به نظرم فقط یک جلسه بحث شد.

در جلسه قبل مطالبی عرض شد؛ مطالبی برای من ارسال شده در رابطه با اشکالاتی که به عرض من وارد است. لوازمی که دارد. خیلی خوب است. من خدمت شما گفتم حتی روایت عبیدی و حماد، همان ابتدایی که سی-چهل سال پیش مباحثه می‌کردیم، همان وقت هم که در ذهنم استظهار می‌کردم این «ال» در «اذا رؤی قبل الزوال»، «ال» استغراق و استیعاب بود. یعنی هر بلدی زوال خودش را نگاه کند. در ذهن قاصر من این یک امر فطری است. ولی وقتی «الزوال» یعنی «اذا رئی الهلال» قبل از زوال آن بلد، «فهذا الیوم من شوال» لوازمی پیدا می‌کند که التزام به آن‌ها سخت است. آدم به راه‌های دیگری فکر می‌کند، به‌خصوص با کمبودهایی که آن راه داشت. لوازم فاحش البطلان یک چیز است، برطرف نکردن احتیاجات در یک ایده و نظریه چیز دیگری است. گاهی است که شما یک نظریه می‌دهید، می‌گویید این فواحش لوازم را دارد. خب دست از آن بر می‌دارید. اما گاهی است که خود نظریه این لوازم را ندارد ولی شما یک نیازهایی دارید که این نظریه تاب برطرف کردن آن نیازها را ندارد. این هم شما را به فکر او می‌دارد. آن نظریه استغراق زوالی، ولو آن لوازم را هم نداشته باشد، ولی تقویم واحد همه دنیا و همچنین این برچسب زدن‌ها را نمی‌توانند برطرف کند. مسأله شخصیت که ارتکازی بود را نمی‌توانند جواب بدهد. بنابراین کسی که به فکر باشد، قهراً به فکر نظریه دیگری می‌افتد که بتواند این نیازها را هم جواب بدهد. شاگرد: لوازم باطل نظریه زوال هر منطقه در ذهنتان هست؟

استاد: واضح ترینش این است: لازمه این نظریه این است که بلدی که حتی اذانشان ده دقیقه فاصله دارد، لحظه اهلال هلال دو شهر از هم فاصله کوتاه دارند، برای یکی قبل از زوال دیده می‌شود، چون در غرب است اما برای دیگری نه. مثلاً قم و دامغان را فرض بگیرید. اینها تقریباً نزدیک هستند. شاید فاصله ظهر دامغان، هفت دقیقه ای هشت دقیقه است. مشهد مقدس حدود نیم ساعت از قم زودتر است. شاید هم بیش از نیم ساعت است. اما دامغان ده دقیقه است. در ده دقیقه هم این فرض می‌آید؛ وقتی برای آن‌ها اهلال هلال می‌شود زوالشان شده است. ولی چون قم ده دقیقه بعدش هست، اهلال هلال برای ما قبل از ظهر می‌شود. این تفاوت‌ها هست.

شاگرد۲: وجه فسادش همین است؟ .

استاد: بله یعنی یک نحو خلاف ارتکاز است. دو-سه مطلب ارسال کرده بودند حالا به هر کدام اشاره می کنم.

شاگرد: لازم دیگری غیر از این هست؟

استاد: بود، الآن یادم نیست. سابقا میدیدم در خیلی از جاها لوازمی به این صورت پیدا میکند. خیلی ها را یادداشت میکردم ولی خیلی ها هم وقتی کتاب در دست نبود، به ذهنم میآمد وقتی هم آدم برای بعد میگذارد، از دستش میرود. «قیّدوا العلم بالکتابة». خیلی روایت عالی ای است. شاید هم فریقین نقل کردهاند.

شاگرد: ادله شخصی بودن را هم میتوان گفت.

استاد: بله.

آن چه که الآن میخواهم بهعنوان جمعبندی عرض کنم، این است، یکی از آقایان هم از عبارت مغنی ابن قدامه نقل کرده بودند که برای او ارسال مسلم است که وقتی هر بلدی ماه را دیدند، دیگر ماه شروع شده است. دیگر معنا ندارد تا ببینیم زوال دحو الارض برای ما چه چیزی تعیین میکند. خب لازم نیست ابن قدامه این را بگوید. مشهور نزد فقهای امامیه همین است، مشهور نزد همه ... .

شاگرد: مشهور نزد متاخرین این است. مشهور نزد علمای امامیه این نیست که هر بلدی حکم خودش را دارد.

استاد: این حرف دیگری است. شما در قم در وقت غروب دیدید، دیدید، امامیه می گویند هنوز صبر کنید؟! منظورم این است. یعنی این مورد توافق همه است که وقتی در وقت غروب با چشم خودتان هلال را دیدید، بگویید هنوز صبر کنید تا ببینیم همه جا میبینند یا نه. ببینیم فلان جا دیدهاند یا نه. اصلاً چنین چیزی نبوده است. ایشان هم همین را میگویند. خب در سخن ابن قدامه که حرفی نیست. او گفته، همه میگویند. این روایتی که در عبارت سید بحر العلوم میخواندیم، در آخر تنبیهات بود. دو تنبیه را خواندیم، تنبیه سوم ماند. تنبیه سوم همین روایت بودکه به امام علیه السلام عرض می کند که «المغیریه یزعمون انه اذا الیوم لهذه اللیلة المستقبلة»، امام علیهالسلام فرمودند «کذبوا». چون اهل بطن نخله که رفته بودند گفتند «اذا رأوا الهلال شهر رجب المرجب قالوا قد دخل الشهر». یعنی همین غروب که ماه را دیدند گفتند «دخل الشهر». ولذا وقتی غروب که دیده میشود یک امر ارسال مسلم است که وقتی در غروب دیدید، امشب شب اول ماه مبارک است. الآن اول شب شعبان است، نگویید الآن که غروب شد، سی ام شعبان است. چطور برای یک لحظه، شب اول ماه بشود؟! این مسلم و متسالم علیه در کتب فقهی است. روش مسلمین است بهعنوان امری که امضاء شرعی هم شده است. حال امضاء منحصر بوده ای نه، قبلاً بحث کردهایم. ولی این مشکلی ندارد.

بازبینی #2
ایجاد شده 26 ژانویه 2026 14:57:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 26 ژانویه 2026 15:15:15 توسط ... .